

برگ ۱۶: مایه خویاست علت سودای ما...
مصراع دوم در متن نسخه پاک شده و با مرکب قرمز به جای آن نوشته‌اند:
صفح دبیقی و کس بود که درمان برد.
در دیوان، نیز چنین است (همانجا). و بهار در حاشیه بیت نوشته است: «معلوم
نیست در متن چه بوده است و سردار پاک کرده‌اند و مصرع قرمز را نوشته!؟»

برگ ۱۷:

به مجلس جلوه همچون زهره دارد* به میدان حمله همچون شیر نر برد
* زهره آورد.
در دیوان نیز: زهره آورد (همان، ص ۱۳۷).

برگ ۱۷:

بنات‌النعمش را خود منصبی ساخت که در پیشش کمر شمشیر زر برد*
* این شعر از منوچهری گرفته شده است:
بنات‌النعمش کرد آهنگ بالا به کردار کمر «شمشیر هرقل»
م.ب.

برگ ۲۲: این بیت را ملک‌الشعرا به قصیده جمال افزوده است:
فلک از عفو و خشم او داند هر چه ز اسباب نفع و ضرر یابد
در دیوان جمال نیز این بیت هست (همان، ص ۱۲۲).

برگ ۲۸:

از طبع تو جز گهر چه خیزد وز کلک تو جز هنر چه خیزد
با کلک تو از گهر چه آید با لفظ تو از شکر چه خیزد

در نسخه دیوان بیت اول را خط زده‌اند و در بیت دوم «آید» را «خیزد» کرده‌اند و بهار در حاشیه این تغییر و اصلاح چنین نوشته است: «معلوم نیست چرا مطلع را زده است و شعر دوم را مطلع قرار داده است. زیرا در نسخه‌ای چنین دیده است؟ باری، اصل درست است! — م. بهار.

اظهار تعجب مرحوم بهار از این است که تیمورتاش، که به قول بهار با این دستکاریها، شعر جمال را خراب کرده، چگونه در اینجا به صورت درست این شعر پی برده و از کجا دانسته که شعر دوم مطلع این قصیده است!

در دیوان جمال هم بیت نخست (از طبع تو جز...) از اثیرالدین ابهری در مدح جمال‌الدین دانسته شده و پس از آن قصیده جمال آمده که در پاسخ اوست. با این مطلع:

با کلک تو از گهر چه خیزد با لفظ تو از شکر چه خیزد

همان، ص ۱۴۹

برگ ۲۸: این بیت را بهار در حاشیه نسخه افزوده است:

«در معرض لفظ روشن تو از اختر باختر چه خیزد»
در دیوان هم این بیت پنجمین بیت قصیده مزبور است (همانجا).

برگ ۲۸: بهار این بیت را نیز افزوده است:

«میر سخنی، سخن غلامت به زین ز جهان حشر چه خیزد»
در دیوان هم این بیت آمده (همانجا).

برگ ۲۸: این سه بیت به قصیده جمال افزوده شده است:

تقدی رایج شناس تحسین ز احسنت و ز ما قصر چه خیزد
از دایره کو همی سر آمد جز گشتن گرد سر چه خیزد

چون پی سپر همه جهانم زین شعر فلک سپر چه خیزد
این سه بیت در دیوان جمال هم آمده است (همان، ص ۱۵۰-۱۵۱).

برگ ۲۸: بهار این بیت را در حاشیه افزوده است:
دانش طلب از درم چه آید معنی نگر از صور چه خیزد»
همانجا

برگ ۲۸:

فضل و هنر است مایه مرد از حلقه و از کمر چه خیزد
«حلقه» کلمه‌ای است که تیمورتاش در نسخه نوشته، ولی بهار در حاشیه
«خلعت» را که در اصل نسخه بوده، درست دانسته است.
دیوان: از حلقه و..... (همانجا).

برگ ۲۸: این بیت افزوده بهار است:
دل زنده به علم باید ار نی از جنبش جانور چه خیزد
در دیوان هم این بیت هست (همانجا).

برگ ۲۸:

وقتی که همی نفس زند صبح ز اختر به سپهر بر چه خیزد*
* از نقد عیار خور چه خیزد.
در دیوان چنین است: ز اختر بسپهر بر چه خیزد (همانجا).

برگ ۲۸:

نرگس چو بیافت ده درم* سیم ز انش به جز از سهر چه خیزد
* «اصل پنج درم بوده و ظاهراً شش درم.»

دیوان: شش درم (همان، ص ۱۵۲).

برگ ۲۸: این ابیات را بهار در حاشیه افزوده است:

زین منزل پرخطر چه آید زین گنبد پرگذر چه خیزد
در دهر دورنگ دل چه بندی زان صفوت و زین کدر چه خیزد
چرب آخور توست عالم جان زین شوره‌ستان شر چه خیزد
از گردش چرخ و سیر اختر خیر و شر و نفع و ضرر چه خیزد
زان دیده دیده‌دوز بندیش زین پرده پرده‌در چه خیزد.....
خود مبلغ علم و غایت جهد این بود و زین قدر چه خیزد
این ابیات در دیوان هم آمده است (همانجا).

برگ ۲۹: پس از بیت

خورشید چو گشت سایه‌گستر از ذره مختصر چه خیزد
بهار این ابیات را افزوده است:
چون ابر کشیده خنجر برق از ناوک یک شرر چه خیزد
جایی که زره‌گر است داور از سلسله شمر چه خیزد
چون مهر کند فلک سواری از چالش لاشه‌خر چه خیزد
و پس از بیت
گرچه ز توام چنانکه گفتی از طبع تو جز گهر چه خیزد
این دو بیت را افزوده است:
مه یافت نظر ز جرم خورشید بنگر کش از آن نظر چه خیزد
لیکن چو رسد به جرم خورشید از دایره قمر چه خیزد
همه این ابیات در دیوان جمال آمده است (همان، ص ۱۵۳).

برگ ۲۹:

گفتم که چرا دل همی بری گفت در مذهب عاشقان* چرا نباشد
*عاشق چرا.
در دیوان هم «عاشق» است (همان، ص ۱۴۷).

برگ ۳۵:

بدیع باشد آن از رفیع‌رای* بدیع که بی‌سبب ز چو من دوستی شود بیزار
* «از آن رفیع‌رای».
ضبط دیوان چنین است: بدیع باشد این از رفیع‌رای ربیع (همان، ص ۱۸۸).

برگ ۳۸:

گر* تو اینجا گرو صدر قوام‌الدینی که از اینجا* نروی تا که نیاید او باز
* «که تو».
** «تو از اینجا» ضبط دیوان نیز چنین است (همان، ص ۲۰۰):
که تو اینجا گرو صدر قوام‌الدینی که از اینجا نروی تا که نیاید او باز

برگ ۵۴: از قصیده

منم آنکس که عقل را جانم منم آنکس که روح را مانم
این ابیات از نسخه بهار افتاده است که بهار آنها را با شماره در حاشیه افزوده
است. شماره کنار هر بیت، محل قرار گرفتن آن را پس از مطلع قصیده مذکور
معین می‌کند، آن ترتیب چنین است:

۱. دعوی فضل را چو معنایم معنی عقل را چو برهانم
۲. نثر را نوشکفته بستانم نظم را دسته بسته ریحانم
۳. بحر علمم که واسع‌الرحم کوه حلمم که ثابت ارکانم

۴. بحر و کانم از آن همی خیزد از دل و دیده لعل و مرجانم
۵. بی سر و پای تافته گویم بی‌دل و دست چفته چوگانم
۶. گاه خندان چو شمع می‌گیریم گاه گریان چو ابر خندانم
این ابیات در دیوان هست (همان، ص ۲۵۶-۲۵۷).

برگ ۸۰:

نزد خواص حشو وجودم چو واو عمرو نزد عوام چون الف میم* ضایع
* «بسم» صحیح است. مقصود بسم‌الله است که در کتابت الف آن را نمی‌نویسند.
یکی از شعرای عرب گفته است:
کما سامحوا عمراً بواو مزیده وضویق بسم‌الله فی الف الوصل
در دیوان هم «بسم» آمده است (همان، ص ۳۵۷).

برگ ۸۰:

بر پاکدامنی من و فضل من گواست یار موافقم که نه* خصم منازعم
* «نه که.» ضبط دیوان هم «نه که» است (همانجا).

برگ ۸۵:

ای سخا را از کف تو پیش خورد* وی خرد را پیش رایت چشم‌درد
* پیش خورد، هرگاه صحیح باشد به معنی سلف خریدن و پیش‌خرید کردن
است «ملک‌الشعرای بهار».

برگ ۸۵:

چون معیدی* می‌شنو او را مبین کاین گمان عکس است و عکسش نیست طرد

* معیدی، اشاره به مثل عرب است: و تسمع بالمعیدی خیرٌ من آن تراه. [مصراع دوم] مراد عکس طرد یا طرد العکس است که در بدیع از محسنات محسوب می‌شود — م. بهار.

برگ ۸۵:

زو سخن باید طلب کردن نه روی میوه جو از شاخ او نه بیخ و برد
ملک الشعرا در کنار این بیت علامت پرسش گذاشته و ابهامی در آن دیده است.
در دیوان، ضبط بیت این‌گونه است:

زو سخن باید طلب کردن نه او میوه جو از شاخ او نه بیخ برد

همان، ص ۱۵۵

و وحید در توضیح آن نوشته است: «یعنی از من که به سوی خود دعوت کرده‌ای سخن و شعر بخواه نه مرا؛ چنانکه از شاخ درخت میوه می‌خواهند نه بیخ و تنه خواب و بی‌حس او را. برد اینجا به معنی خفته و خواب است و به‌ظاهر چند بیت اینجا افتاده و هر مصراع از همین بیت هم گویا راجع به بیت دیگری باشد و ترجمه شعر قطعی نیست» (همان). اما ضبط نسخه بهار که «روی» به جای «او» دارد، پذیرفتنی‌تر است.

برگ ۸۵:

بنده سرتاپای آهو آمده است مشک چون آهو مجو ای شیرمرد*
* «مشک از این آهو مجو..... ظاهراً — م.ب.» این مصراع در دیوان این‌چنین است: مشک جو آهو مجو ای شیرمرد (همانجا).

برگ ۸۹:

آن لفظهای عذب که از فیض ایزدست و آن رمزهای علم که موروث مصطفاست*
* «انبیاست.» در دیوان «مصطفاست» آمده است (همان، ص ۳۸۸).

برگ ۸۹:

زان دیده خون گریست که در مجلس تو گوش گفتش که حظ من است* بگو آن تو کجاست
* «باید اصل صحیح باشد.» اصل نسخه — که تیمورتاش آن را مخدوش کرده
— چنین بوده است: ... گفتش که حظ حظ من است آن تو کجاست. در دیوان
نیز چنین است: گفت این حظ من است آن تو کجاست (همانجا).

برگ ۸۹:

پوشیده اطلس از بر اکسون شمامه ام آن اطلسی که آتش از* رنگ خون ماست
* «تابش صحیح است.» ضبط دیوان: آن اطلسی که آتشی از رنگ خون ماست
(همان، ص ۳۸۹).

برگ ۹۳:

چه ترسی زانکه خشم و خشنودیش* نه جان بخشد نه روزی باز گیرد
* «خشنودی و خشمش» صحیح است.
دیوان: خشنودی و خشمش (همان، ص ۲۰۴).

برگ ۹۳:

تو را فضل به دیگران بیش از این نیست* که تو می دهی چیز و او می ستاند
* «بیش از این نه.» [ضبط دیوان: تو را فضل بر دیگری بیش از این نیست
(همان، ص ۴۰۴).

برگ ۹۴:

تشریف* خوردم الحق چونان خجل شدم کز شرم خاطر رخ او در نقاب کرد
* «تسویر.» ضبط دیوان: تسویر خوردم الحق و چونان خجل شدم (همان، ص ۳۹۸).

برگ ۹۷:

صائم‌الدهر اسبکی دارم که به ده روز روزه نگشاید
بهار در حاشیه این قطعه، این بیت را پیش از مقطع افزوده است:
گر تفضل کند خداوندم پاره‌ای گاه و جوش فرماید
همان، ص ۴۰۳

برگ ۱۰۵:

شادی دشمنان و فراق و جفای یار هست از هرگونه* زیان بر زیان من
* «هزارگونه.» ظاهراً متن دیوان نیز همان است که بهار حدس زده است
(همان، ص ۴۷۴).

برگ ۱۰۶:

رخ ز من در مکش که با رخ تو طعنه بر* ماه آسمان زده‌ایم
* «طعنه در ماه» صحیح است و «بر ماه» تازه است.
در اصل نسخه نیز «طعنه در ماه» بوده که تیمورتاش آن را به «بر ماه» تغییر
داده است. در دیوان نیز «طعنه بر ماه» آمده است (همان، ص ۴۷۰).

برگ ۱۰۶:

دانه دل آن لب شیرین بود دام جان* آن چشم جادو افکند
* کلمه جان در مصراع دوم در اصل دل بوده که تیمورتاش آن را به «جان»
تغییر داده و بهار همان «دل» را درست دانسته و در حاشیه نوشته است: «اصل
درست است، گوید دانه دل لب و دام دل چشم است.» در دیوان بیت بدین
صورت است:
دانه دل آن لب شیرین بود دام جان آن چشم جادو افکند
(همان، ص ۴۵۶)

برگ ۱۱۴:

یا ز چشمت جفا بیاموزم یا لب‌ت را وفا بیاموزم...
بهار، با گذاشتن شماره‌هایی کنار ابیات این غزل زیبای جمال، ترتیب و توالی ابیات آن را مشخص کرده، همچنین دو بیت را که در این نسخه از غزل مذکور افتاده در حاشیه افزوده است. چون ترتیب پیشنهادی بهار با متن دیوان جمال (همان، ص ۴۷۱) یکسان نیست، ابیات آن غزل، به ترتیبی که بهار تعیین کرده است، نقل می‌شود:

یا ز چشمت جفا بیاموزم یا لب‌ت را وفا بیاموزم
پرده بردار تا خلایق را معنی والضحی بیاموزم
پرده عالمی دریده شود گر از او یک نوا بیاموزم
نشوی هیچگونه دست‌آموز چه کنی (دیوان: چه کنم) تا تو را بیاموزم
به کدامین دعوات خواهم یافت تا روم آن دعا بیاموزم
تو ز من شرم و من ز تو شوخی یا بیاموزم یا بیاموزم
بارها گفت چرخ می‌خورم که ز طبعش جفا بیاموزم
از خیالت وفا طلب کردم گفت کو از کجا بیاموزم
در متن دیوان نیز در پایان این بیت غزل آمده است:

گفتم آخر نیائیم در چشم گفت اول شنا بیاموزم

برگ ۱۱۹:

تیز کردی بر لبم دندان من جز لب آبدندان نیستم*
* «من حریفی آب دندان نیستم.» در متن دیوان نیز «حریفی» است (همان، ص ۴۷۶).

برگ ۱۱۹:

عشقت ای دوست مرا هم‌نفس است بی تو بر من همه عالم جرس* است

* «قفس». ضبط دیوان هم «قفس» است (همان، ص ۴۳۹).

برگ ۱۲۰: در غزلی با مطلع
در رخ یار خویشان خندم
بهار این بیت را پس از مطلع افزوده است:
هرگه آن سرو قد که بخرامد
بر قد سرو در چمن خندم
در دیوان به جای «که بخرامد»، چنین آمده است: خرام کند (همان،
ص ۴۶۶).

برگ ۱۲۱:
بر نرگس دوید بلبل و گفت
که تو* بر لشکر چمن شاهی
* «کای تو» صحیح است. ضبط دیوان: که تو (همان، ص ۴۸۲).

برگ ۱۲۱:
عاشقی مفلسم حریف به دست*
وجه یک‌ماهه چاره راهی
* «پرست» ظاهراً.
در دیوان به صورت «حریف بدست» آمده است و در مصراع دوم هم به جای
«یک‌ماهه» آمده است: یک ماه (همانجا).

برگ ۱۲۱:
منم امروز از زر و سیمت
وام‌خواهی سرای* دلخواهی
* «برای» ظاهراً.
در دیوان هم «برای» آمده است (همان، ص ۴۸۳).
ملک‌الشعراى بهار یادداشتهای خویش را سالها پیش از آن‌که وحید دستگردی

دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق را تصحیح و منتشر کند، در حواشی نسخه خود نوشته است و از آنجا که بهار شناخت دقیقی از ویژگیهای سبکی شعر جمال داشته و بر دقائق و ظرایف آن کاملاً واقف بوده، بسیاری از ابیات را به اصلاح آورده یا افتادگیهایی را تکمیل کرده است. این موضوع ارزش یادداشتها و حواشی بهار را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

پی‌نوشتها

۱. کتاب *ارج‌نامه ملک الشعراء بهار* که در سال ۱۳۸۵ به کوشش علی میرانصاری منتشر شد، نشان‌دهنده تنوع عرصه‌های تحقیقی و ارزش آثار ملک‌الشعراء بهار است (همچنین نک: اتحاد ۱۳۷۹: ۱۰۵/۲-۳۴۲).

۲. علاوه بر یادداشت‌های بهار بر دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق، حواشی او بر نسخه‌ای از *شاهنامه فردوسی* (چاپ بمبئی ۱۲۷۶ ق) نیز شامل یادداشت‌هایی در تصحیح ابیات و توضیح اصطلاحات و اعلام و نکات دستوری و تاریخی و سبکی و... است که خوشبختانه در سال ۱۳۸۰ آن نسخه *شاهنامه بمبئی* به کوشش فاضل گرامی علی میرانصاری از سوی انتشارات اشتاد به صورت عکسی منتشر شد، همراه با مقدمه‌ای در بیان ارزش و اهمیت آن حواشی. و نیز نسخه‌ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است، به شماره ۲۶۹۹ که متن آن یوسف و زلیخاست که به غلط به نام فردوسی کتابت شده و بهار — که این نسخه را از عباسقلی خان ابن محمدتقی سپهر لسان‌الملک خریداری کرده — یادداشت‌های اصلاحی و توضیحی در حواشی آن نگاشته است. همچنین در همان کتابخانه، نسخه‌ای از مثنویهای امیرخسرو دهلوی به شماره ۲۳۵۷ نگهداری می‌شود که حواشی بهار در بعضی صفحه‌های آن دیده می‌شود. و لابد اگر نسخه‌های دیگری را که متعلق به ملک‌الشعراء بوده است، جستجو نماییم، حواشی دیگری از او یافت خواهد شد که مغتنم است.

۳. تیمورتاش، عبدالحسین (۱۲۶۰-۱۳۱۲ ش). نماینده مجلس شورای ملی در دوره‌های دوم و سوم و چهارم و پنجم، رئیس قشون خراسان، با لقب سردار معظم، وزیر عدلیه در دولت مشیرالدوله (۱۳۰۰ ش)، والی کرمان (۱۳۰۲ ش)، وزیر فواید عامه در کابینه سردار سپه

(۱۳۰۳-۱۳۰۴ش) و وزیر دربار رضا شاه (تقی‌زاده ۱۳۷۲: ۲۲۳-۲۳۷). قدرت یافتن در عرصه داخلی و خارجی و عاقبت سوء ظن رضا شاه به او و گرفتاری در حبس خانگی و سپس زندان (و سرانجام قتل در زندان قصر در مهر ۱۳۱۲، از وقایع برجسته حیات سیاسی اوست (غنی ۱۳۶۷: ۴/۴۸۵-۴۸۹؛ نیز نک: بامداد ۱۳۶۳: ۲/۲۳۹-۲۴۳).

۴. ملک‌الشعراى بهار در مقدمه کتاب سبک‌شناسی، صید علی‌خان درگزی را از استادان خود بر می‌شمارد و می‌نویسد: «... در خدمت ادیب نیشابوری و صید علی‌خان درگزی مدتها تلمذ کرد و پس از آمدن به پایتخت این مبحث را (سبک‌شناسی) در مطبوعات پایتخت خاصه مجله دانشکده و انجمن ادبی به همین نام، انتشار داد» (بهار ۱۳۷۰: ۱/پ). او مدتها ریاست پست و فرمانداری درگزر را به عهده داشته و در شعر و ادب متبحر بوده است. علاوه بر ذوق شعری و حافظه نیرومندی که داشته است، وی را در نقد شعر و علم انساب هم متخصص می‌دانسته‌اند. «هنگامی که سر پرسى سایکس، مأمور دولت بریتانیا، مأموریت خراسان یافت و درصدد جمع‌آوری اطلاعات تاریخی در باره نادر شاه برآمد، ناچار متوسل به صید علی‌خان گردید و بسیاری از مطالب سه فصل از تاریخ ایران خود را که در باره نادر شاه است، بر اساس اطلاعات و روایات صید علی‌خان نوشت و مخصوصاً قید کرده است: من از صید علی‌خان چاپشلو درگزی که جد اعلاى او از سرداران محبوب نادر شاه بود یادداشتهایی دریافت نموده‌ام (اتحاد ۱۳۷۹: ۲/۲۸۵).

۵. بهار در پایان اغلب یادداشتهای خود بر دیوان جمال‌الدین، علامت «م - ب» و گاه «م - بهار» و «ملک‌الشعرا» گذاشته است. در یک یادداشت نیز تاریخ ربیع الآخر ۱۳۳۴ دیده می‌شود.

منابع

- اتحاد، هوشنگ، ۱۳۷۹، پژوهشگران معاصر ایران، ج ۲، تهران.
- بامداد، مهدی، ۱۳۶۳، شرح حال رجال ایرانی، ج ۲، تهران.
- بهار، محمدتقی، ۱۳۷۰، سبک‌شناسی، ج ۱، تهران.
- تقی‌زاده، سیدحسن، ۱۳۷۲، زندگی طوفانی، به کوشش ایرج افشار، تهران.
- جمال‌الدین عبدالرزاق، دیوان کامل، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران، ۱۳۶۲.

_____ نسخه خطی دیوان، شماره ۲۳۹۱، کتابخانه مجلس شورای اسلامی،
کتابت ۱۰۳۲ ق.

غنی، قاسم، ۱۳۶۷، یادداشتها، ج ۴، به کوشش سیروس غنی، تهران.
فردوسی، شاهنامه (از روی چاپ بمبئی، ۱۲۷۶ ق)، تصحیح و توضیح ملک الشعراء بهار، به
کوشش علی میرانصاری، تهران، ۱۳۸۰.
میرانصاری، علی، ۱۳۸۵، ارجنامه ملک الشعراء بهار، تهران.



